

بررسی وضعیت و سیر تحول صنعت فرش کرمان در دوره قاجار

* تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

* تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۲/۶

نوع مقاله: پژوهشی

مصطفی ملایی^۱ / پوران طاحونی^۲

۱. دکتری تخصصی ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

۲. استادیار بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران.

چکیده

کرمان از مراکز اصلی تولید و تجارت فرش در دوره قاجار محسوب می‌شده. علی‌رغم این‌که تا ربع آخر قرن ۱۹م، متأثر از رونق صنعت شال‌بافی، صنعت فرش کرمان از اعتبار چندانی برخوردار نبوده، اما با کساد و رکود تدریجی شال‌بافی از اواخر این قرن، تولید و تجارت فرش، رونق بالایی گرفته بود. در این دوره، تحت تاثیر ظرفیت‌های موجود در آن منطقه جهت تولید فرش و افزایش تقاضا در بازارهای جهانی برای فرش کرمان، سرمایه داخلی و خارجی در صنعت مزبور به کار افتاده، نه تنها تولید، بلکه تجارت این محصول نیز پیشرفت و گسترش قابل ملاحظه‌ای یافت. این پژوهش در نظر دارد، با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای، به بررسی مسئله اصلی تحقیق، یعنی روند توسعه، وضعیت و سیر تحول تولید و تجارت فرش در کرمان در دوره قاجار بپردازد. بر اساس یافته‌های پژوهش، در اوایل دوره قاجار، بافت فرش در کرمان در بین بافندگان شهری، روستائی و عشایری، به صورت محدود انجام می‌شده و به عنوان یک کالای تجاری داخلی مطرح بوده است. اما از دهه‌های پایانی این قرن، با سرمایه‌گذاری تجار تبریز و کمپانی‌های خارجی در صنعت فرش آن منطقه و به راه افتادن کارگاه‌های قالی‌بافی و سازماندهی نسبی تولید و تجارت، نه تنها حجم تولید فرش، افزایش یافت، بلکه ارزش صادرات و تجارت آن نیز رونق پیدا کرد. به طوری که در اواخر دوره قاجار، فرش کرمان سهم عمده‌ای از بازار فرش اروپا و آمریکا را به خود اختصاص داده بود. واژگان کلیدی: کرمان، صنعت فرش، تولید، تجارت، قاجار.

Investigating the Situation and Evolution of Kerman Carpet Industry in the Qajar Period

Mostafa Molaei³/Pouan Tahouni⁴

3. PhD in Iranian Studies, Shahid Beheshti University, Tehran. Iran.

4. Assistant Professor of Iranology Foundation, Tehran, Iran.

Abstract

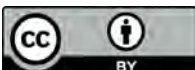
Kerman was considered one of the main centers of carpet production and trade in the Qajar period. Despite the fact that until the end of the 19th century, overshadowed by the prosperity of the shawl weaving industry, the Kerman carpet industry did not enjoy much prestige, with the stagnation of shawl weaving from the end of this century, carpet production and trade flourished. In this period, under the influence of the available capacities in that area for carpet production and the increase in demand in the world markets for Kerman carpets, domestic and foreign capital was used in this industry and the production and trade of carpets also expanded. This research aims to investigate the state and evolution of carpet production and trade in Kerman during the Qajar period, with a descriptive-analytical method, using archival sources. According to the findings of the research, in the early Qajar period, carpet weaving in Kerman among urban, rural, and nomadic weavers was performed in a limited way and was considered a domestic commercial product. However, since the last decades of this century, with the investment of Tabriz merchants and foreign companies in the Kerman carpet industry and the establishment of carpet weaving workshops, not only has the extent of carpet production increased, but also the value of its export prospered. Therefore, at the end of the Qajar period, Kerman carpet had a major share of the carpet market in Europe and America.

Keywords: Kerman, carpet industry, production, trade, Qajar.

• Corresponding Author Email Address: m.s.mollai@gmail.com.

<https://doi.org/10.48308/irhj.2023.103184>

<http://dorl.net/dor/20.1001.1.20087357.1402.16.1.12.8>



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

صنعت فرش در ایران قدمتی دیرینه دارد و پیشینه آن به دوره باستان می‌رسد. فرش پازیریک که قدمت آن به قرن چهارم قبل از میلاد می‌رسد، سندی است که این گفته را تأیید می‌کند. در دوره اسلامی نیز این صنعت بسیار رونق گرفت. در عصر صفویه صنعت فرش با حمایت شاهان این سلسله توسعه یافت و در شهرهایی چون کاشان، اصفهان و کرمان کارگاه‌های قالی‌بافی سلطنتی ایجاد گردید. فرش‌های نفیس تولیدی در این کارگاه‌ها قسمتی از صادرات کشور را به خود اختصاص می‌داد و بخش عمده آن راهی مغرب زمین می‌شد. نتیجه آنکه در این عصر، صنعت فرش به سطح صنعتی ملی ارتقا یافت و به صورت بخشی از منابع اقتصادی کشور درآمد.

در فاصله سقوط سلسله صفویه تا روی کار آمدن قاجارها، صنعت فرش متأثر از وضعیت نابه‌سامان سیاسی و اقتصادی کشور، دوره‌ای از رکود نسبی را به نظاره نشست. اما در این دوره نیز در برخی از مراکز سنتی بافت مثل کرمان، خراسان و فارس این صنعت به صورت محدود رواج داشت. سرانجام با تثبیت سلسله قاجار در دوره فتحعلی‌شاه و ایجاد آرامش سیاسی و اقتصادی در کشور، صنعت فرش نیز جان تازه‌ای گرفت و به تدریج در دهه‌های بعد گسترش بیشتری یافت. در این بین، منطقه کرمان از مهم‌ترین مراکز قالی‌بافی در دوره قاجار محسوب می‌شد که صنعت فرش آن طی قرن ۱۹ و ابتدای قرن ۲۰ رونق بسیاری گرفت، تا جایی که در اواخر دوره قاجار، قسمت عمده فرش‌های تولیدی این منطقه راهی بازارهای اروپا و آمریکا می‌شد. عواملی نظیر وجود قالی‌بافان ماهر و نیروی کار ارزان، در دسترس بودن مواد خام مورد نیاز برای تولید فرش و همچنین سرمایه‌گذاری تجار و شرکت‌های داخلی و خارجی در تولید و تجارت فرش در این امر دخیل بود.

پژوهش حاضر، به روش توصیفی - تحلیلی، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که روند توسعه و سیر تحول تولید و تجارت فرش کرمان در دوره قاجار چگونه بوده است؟ فرضیه پژوهش بر این است که در نیمه اول قرن نوزدهم، در کرمان بافندگان شهری، روستایی و عشایری در کارگاه‌های کوچک خانگی و در مقیاس محدود فرش‌بافی می‌کردند و تولیدات آنها به‌عنوان یک کالای تجاری داخلی در بازارهای داخل کشور خرید و فروش می‌شد. اما از دهه‌های پایانی این قرن و اوایل قرن بیستم، تجار بومی منطقه، بازرگانان تبریز و شرکت‌های خارجی در صنعت فرش سرمایه‌گذاری کردند و با استخدام بافندگان بومی، تولید این کالا علاوه بر کارگاه‌های خانگی در کارگاه‌های بزرگ متعلق به سرمایه‌گذاران نیز رونق گرفت و عمدتاً از راه مبادی صادراتی جنوب کشور به کشورهای هند، مصر، اروپا و آمریکا صادر شد.

در بررسی پیشینه موضوع باید گفت، تاکنون پژوهش و تحقیقی صورت نگرفته است که منحصرأ به

تولید و تجارت فرش منطقه کرمان در دوره قاجار پرداخته باشد. در این بین، در برخی از پژوهش‌ها نظیر *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم* (۱۳۷۳)، *شهر و روستا در ایران* (۱۳۹۰)، *تاریخ تجارت فرش ایران عصر قاجار* (۱۳۹۸)، *عوامل مؤثر بر رشد صادرات فرش و پیامدهای اقتصادی آن در ایران قرن نوزدهم* (۱۳۹۵) و *سرمایه‌گذاری شرکت‌های غربی در صنعت فرش ایران در عصر قاجار* (۱۳۹۷)، بنا بر اقتضای مطالب، به صنعت فرش کرمان در دوره قاجار اشاراتی شده است. در بعضی دیگر از آثار مانند *قالی ایران* (۱۳۶۸)، تنها به تولید و تجارت فرش کرمان در دوره قاجار نگاه مختصری شده و عمدتاً دوره پهلوی مد نظر نویسنده بوده است. از این رو، در این پژوهش سعی می‌شود با تکیه بر اسناد آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای، زوایایی از خلأ موجود واکاوی شود.

صنعت فرش کرمان در دوره قاجار

کرمان در جنوب شرقی ایران و در منطقه‌ای گرم و خشک واقع شده است. اگرچه کوه‌هایی نسبتاً بلند در پیرامون این ناحیه قرار دارد، قسمت عمده خاک آن به دلیل نداشتن رودخانه پرآب و پایین بودن میزان بارندگی، غیر قابل کشت و زرع است و در بعضی جاها به صورت شن‌زار نمایان شده است. در همین خصوص، سایکس در قرن نوزدهم در *سفرنامه خود* اشاره می‌کند در منطقه کرمان فقط در نواحی معدود و پراکنده‌ای که زمین را با قنات‌ها و نهرهای قدیمی آبیاری می‌کنند، محصولات چوبی چون گندم، جو، نخود، تریاک، ارزن، پنبه و چغندر قابل تولید و برداشت است.^۱ بنابراین، این‌گونه خصوصیات اقلیمی و طبیعی از دیرباز باعث رواج صنایع و حرفه‌های دستی نظیر *شال‌بافی* و *فرش‌بافی* در بین اهالی این خطه شده است. *فرش‌بافی* در این منطقه دارای قدمتی طولانی است، اما مشخصاً در دوره صفویه است که با ایجاد کارگاه‌های *قالی‌بافی* سلطنتی در کرمان، صنعت فرش این منطقه رونق می‌گیرد^۲ و تولیدات آن علاوه بر رفع نیاز شاهان و امرای صفوی، به کشورهای اروپایی، ترکیه و هندوستان نیز صادر می‌شود.^۳ در فاصله سقوط سلسله صفویه تا شکل‌گیری سلسله قاجار، به‌رغم رکود نسبی صنعت فرش که ناشی از آشفتگی اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور بود، *فرش‌بافی* در منطقه کرمان، هرچند به صورت محدود، همچنان ادامه می‌یابد.^۴ سرانجام با تثبیت سلسله قاجار در دوران حکومت فتحعلی‌شاه و ایجاد امنیت سیاسی و اقتصادی نسبی و فراهم شدن بسترهای لازم، صنعت مزبور احیا می‌شود. در دهه‌های بعد نیز صنعت فرش کرمان متأثر از عواملی که به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد، پیشرفت می‌کند و دچار تحولات عمده می‌شود.

۱. سرپرسی سایکس، *سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس*، ترجمه حسین سعادت‌نوری (تهران: ابن سینا، ۱۳۳۶)، ص ۵۷-۶۰.

۲. ژان شاردن، *سفرنامه*، ترجمه محمد عباسی، ج ۴ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۶)، ص ۳۵۹.

۳. همان؛ *آدام التاریوس*، *سفرنامه*، ترجمه حسین کردبچه، ج ۲ (تهران: کتاب برای همه، ۱۳۶۱)، ص ۵۵۶.

۴. ر. دبلیو فریه، *هنرهای ایران*، ترجمه پرویز مرزبان (تهران: فرزبان، ۱۳۷۴)، ص ۱۳۴.

وضعیت صنعت فرش در کرمان در نیمه اول قرن ۱۹

چنانکه اشاره شد، در اوایل قرن ۱۹، پس از تثبیت سلسله قاجار، در پرتو ایجاد نظم و آرامش نسبی، چرخ صنایع دستی کشور بار دیگر به حرکت افتاد.^۱ محصولات صنایع دستی تقریباً تمام نیازمندی‌های زندگی ساده و محقر اکثریت جامعه ایران را تأمین می‌کرد و جز در موارد معدود، نیازی به کالاهای بیگانه نبود. در این زمان کرمان نیز با توجه به جایگاه سنتی آن در تولید صنایع دستی و متأثر از وضعیت اقلیمی و موقعیت تجاری آن و به دلیل واقع شدن در محل تقاطع شاهراه هندوستان و جاده کاروان‌رو کویر، از مناطق اصلی تولید این صنایع در کشور محسوب می‌شد.^۲ در این بین، شال بافی و فرش بافی از مهم‌ترین این صنایع به شمار می‌رفت که از دیرباز و به‌طور مشخص از دوره صفویه در کرمان رواج داشت.

در نیمه اول قرن نوزدهم، بخش زیادی از ساختار جمعیتی و اجتماعی جامعه ایران را روستاییان و ایلات و عشایر تشکیل می‌دادند.^۳ از این رو، فرش بافی عموماً حرفه‌ای روستایی و در اصل شغل روستاییان و گاه ایلات و معدود بافندگان شهری در مناطق مختلف کشور به حساب می‌آمد و عمدتاً جوابگوی نیازهای داخل ایران بود. قدر مسلم کرمان نیز از این قاعده مستثنا نبود. گزارش‌های موجود نیز بیانگر آن است که در این زمان قالی بافی در بین عشایر و روستاییان این منطقه، از جمله در روستای راور واقع در شمال شرق کرمان، به صورت محدود رواج داشته و قالی راور قدیمی‌ترین نوع قالی منطقه کرمان محسوب می‌شده است.^۴

نکته قابل توجه آن است که صنعت فرش کرمان در این زمان در برابر هنر و صنعت شال بافی (ترمه) چندان اعتباری نداشته است.^۵ بیشتر منابع و گزارش‌ها اتفاق نظر دارند که در این زمان شال بافی صنعت عمده کرمان محسوب می‌شده^۶ و شال‌های این منطقه به دلیل کیفیت بالای کرک و پشم آن، مرغوب‌ترین محصولات این صنعت در ایران بوده است. در قرن ۱۷ کمپانی‌های هند شرقی مراکز و کارگاه‌هایی در کرمان برای صادرات شال و پشم دایر کرده بودند^۷ و تجارت این کالا کاملاً زیر نظر آنها انجام می‌گرفت. این روند در نیمه اول قرن نوزدهم همچنان ادامه داشت و شال و ترمه کرمان در دوره قاجار به خاطر ظرافت و جنس آن شهرت جهانی یافته بود. بنا بر گزارش‌های موجود، در اواسط قرن

۱. جولیان باری، *اقتصاد ایران (۱۹۰۰-۱۹۷۰ م/۱۲۷۹-۱۳۴۹ ش)*، ترجمه مرکز تحقیقات سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه (تهران: مؤسسه حساسرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه، ۱۳۶۳)، ص ۱۴.

۲. پل‌وارد انگلیش، *شهر و روستا در ایران*، ترجمه رؤیا اخلاص پور (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۰)، ص ۲۹-۶۰.

۳. میخائیل سرگه‌ویچ ایوانف، *تاریخ نوین ایران*، ترجمه هوشنگ تیزابی (تهران: بی‌نا، ۱۳۵۶)، ص ۹.

۴. سیسیل ادواردز، *قالی ایران*، ترجمه مهین‌دخت صبا (تهران: فرهنگسرا، ۱۳۶۸)، ص ۲۲۷.

۵. شیرین صوراسرافیل، *طراحان بزرگ فرش ایران (تهران: پیکان، ۱۳۸۰)*، ص ۳۱۶.

۶. انگلیش، ص ۶۲.

۷. همان، ص ۵۹.

نوزدهم ۱۲۰ کارگاه بافت شمال در شهر کرمان دایر بوده است و با رشد و رونق این صنعت در دهه‌های پایانی این قرن، تعداد دستگاه‌های شمال‌بافی این شهر به سه هزار دستگاه می‌رسد. ارزش سالانه شمال‌های صادراتی، سیصد هزار تومان، معادل شصت هزار لیبره برآورد شده است.^۱ سایکس در خصوص ظرافت و ارزش این فرآورده می‌نویسد:

شمال کرمانی یا با کرک یا با پشم بافته می‌شود و نقشه و طرح آن نیز مثل نقشه قالی، ذهنی شالباف‌هاست. این متاع از حیث ظرافت به قالی ترجیح دارد و اکثراً به دست اطفال خردسال بافته می‌شود و اهالی کرمان به‌واسطه ذوق و شوق فوق‌العاده‌ای که دارند، از این کار خسته و مریض و فرسوده نمی‌شوند... شمال‌های کرمان دارای اشکال و نقوش مختلف و بهتر از همه آنها نقش گل و بوته‌ای است که از طرف ولات و حکام و به‌عنوان خلعت برای اشخاص فرستاده می‌شود. شمال‌های سفید حاج خلیل‌خانی معمولاً به اسلامبول حمل می‌گردد... محصول کارخانجات کشمیر به‌مراتب به شمال‌های بافت کرمان رجحان دارد، ولی این نکته مسلم است که مواد خام هیچ نقطه‌ای با مواد خام کرمان نمی‌تواند رقابت کند و آب و هوای این ناحیه در لطافت جنس محصول محل دخالت تام دارد...^۲

در سه دهه آغازین قرن ۱۹، تجارت با اروپا هنوز نقش مهمی در ایران ایفا نمی‌کرد. با وجود این، تمایل به منسوجات و مصنوعات اروپایی در حال افزایش بود. در طی دهه ۱۸۲۰، تولیدکنندگان ایرانی چنان از حجم منسوجاتی که از اروپا وارد می‌شد نگران شده بودند که «در طی عریضه‌ای به شاه [قاجار] خواستار توقف این واردات شدند»^۳ با این حال، این مسئله در دهه ۱۸۴۰ به معضل تبدیل شد. در این زمان مصرف‌فزاینده اقلام و مصنوعات صنعتی و ارزان‌قیمت اروپایی موجبات نابودی بسیاری از صنایع سنتی اصفهان، کاشان، یزد و کرمان را فراهم ساخت.^۴ با وجود این، گزارش‌های موجود بیانگر آن است که برخی از صنایع، نظیر شمال‌بافی و صنعت فرش، با حفظ جایگاه‌شان، همچنان به هستی خود ادامه دادند و رو به پیشرفت گذاشتند.

منابع دوره قاجار اطلاعات بسیار اندکی از وضعیت صنعت فرش کرمان در نیمه اول قرن ۱۹ به دست می‌دهند. اما براساس پاره‌ای از گزارش‌ها، در این زمان ایالت کرمان از مراکز اصلی بافت قالی و قالیچه

۱. سایکس، ص ۲۳۵.

۲. همان، ص ۲۳۴-۲۳۵.

۳. ویلم فلور، صنایع کهن (۱۸۰۰-۱۹۲۵)، ترجمه علیرضا بهارلو (تهران: پیکره، ۱۳۹۳)، ص ۱۸.

۴. همان، ص ۲؛ جان فوران، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین (تهران: نی، ۱۳۸۷)، ص ۱۹۶-۱۹۷؛ حسین تحویلدار، جغرافیای اصفهان (تهران: سنگرف، ۱۳۸۷)، ص ۳۳-۷۰.

در کشور بوده است.^۱ این قالی‌ها و قالیچه‌ها که غالباً هنر دست مردم روستاها و عشایر بودند، چنانکه اشاره شد، به‌عنوان یک کالای تجاری داخلی، عمدتاً برای رفع نیازهای داخل کشور استفاده می‌شدند.^۲ در این بین، مخارج مالی بافت و تهیه این فرش‌ها اغلب بر عهده افراد سرشناس چون تجار، استادکاران محلی، ارباب و خوانین روستاها و ایلات و عشایر بود که از حامیان اصلی بافت سنتی بودند.^۳ البته به‌رغم تفاسیر فوق، فلور معتقد است در این دوره، علاوه بر تجارت داخلی قالی، مقداری نیز به صورت محدود به کشورهایی چون هندوستان و ترکیه صادر می‌شده است.^۴ اگر با گفته فلور موافق باشیم، نخست باید بپذیریم که قسمت عمده فرش‌های صادره به هندوستان که از طریق مبادی تجاری و مرزهای خشکی و آبی جنوب و جنوب شرق کشور صورت می‌گرفت، فرش‌های منطقه کرمان بوده است. دیگر اینکه اذعان خواهیم داشت که در نیمه اول قرن ۱۹، صنعت فرش کرمان هم‌پای صنعت شال رو به توسعه و گسترش بوده است. با وجود این، فرش‌های کرمان تا اواسط نیمه دوم قرن ۱۹ در بازارهای بین‌المللی اروپا ناشناخته بودند. این در حالی بود که شال‌های صادراتی کرمان در بازار جهانی استانبول متقاضیان قابل توجهی داشتند. اما دوره معروفیت شال کرمان چندان نپایید. در نیمه دوم قرن مذکور، به دلیل رقابت کارگاه‌های شال‌بافی کشمیر و رونق تدریجی قالی‌بافی در کرمان، صنعت شال‌بافی کرمان رو به تنزل گذاشت^۵ و در اواخر این قرن جای خود را به صنعت فرش داد.

وضعیت صنعت فرش در کرمان در نیمه دوم قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰

در نیمه دوم قرن ۱۹ (دهه ۱۸۷۰) در حالی که مناسبات تجارتی ایران با کشورهای اروپایی و روسیه رو به گسترش بود و به دلیل نوسانات به‌وجودآمده در تولید و تجارت ابریشم^۶ سایر فرآورده‌های نقدینه‌آفرین نظیر تریاک، پنبه، برنج و گندم جوابگوی تأمین مالی واردات روزافزون نبود،^۷ از یک سو، با توجه به جایگاه و شهرت دیرینه فرش ایران و علاقه‌مندی اروپاییان به این کالا و از سوی دیگر، به دلیل تقاضای بازارهای جهانی برای فرش‌های ایران و ظرفیت‌های موجود در داخل کشور، تولید و صادرات این کالای راهبردی و درآمدزا مطرح گردید.

نوسانات اقتصادی مذکور، همزمان با کساد و رکود تدریجی بازار شال‌بافی در کرمان بود. اگرچه

۱. فریه، ص ۱۳۴.

2. Annette Ittig, "Carpets xi. Qajar Period", *Encyclopaedia Iranica*, VI (London and New York: Encyclopaedia Iranica, 1990), pp. 878-879.

۳. بشری دلریش، زن در دوره قاجاریه (تهران: سوره، ۱۳۷۵)، ص ۴۷-۴۹.

۴. فلور، صنایع کهن، ص ۲۳.

۵. همان، ص ۲۳۳؛ انگلیش، ص ۶۲.

۶. مجله فلاح و تجارت، ش ۲ (۱۳۹۸ش)، ص ۴۵.

۷. محمدعلی جمال‌زاده، گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران (تهران: خوارزمی، ۱۳۷۶)، ص ۲۴-۳۰.

این امر می‌توانست تا حدودی ناشی از رقابت کارگاه‌های شال‌بافی منطقه کشمیر باشد، رونق تدریجی صنعت فرش در کرمان در طی نیمه دوم قرن نوزدهم و روی آوردن بافندگان شال به صنعتی نسبتاً سودآور را نمی‌توان نادیده گرفت. گزارش‌های موجود بیانگر آن است که در شهر کرمان (در سال ۱۸۷۱) کارگاه‌های مخصوص فرش‌بافی دایر بود و در هر کارگاه دستگاه‌هایی برای قالی‌بافی وجود داشت.^۱ این گونه بود که رفته‌رفته در اواخر این قرن، فرش‌بافی از شال‌بافی پیشی گرفت و جایگزین این صنعت در کرمان گردید. طراح و نقاش چیره‌دست کرمانی «... میراث گران‌قدر ترمه‌دوزی (بافی) را چنان ماهرانه به کار گرفت و هنر و صنعتی نیم‌جان را در قالبی دیگر چنان زندگی و غنا بخشید که مانند آن را در نقاط دیگر ایران سراغ نمی‌توان گرفت.»^۲

بدین ترتیب، صنعت فرش کرمان در نیمه دوم قرن نوزدهم وارد مرحله‌ای از رشد و رونق روزافزون گردید. در این دوران که مصادف با روی آوردن تجار و شرکت‌های داخلی و خارجی نظیر بازرگانان تبریز و شرکت‌های خارجی به سرمایه‌گذاری در تولید و تجارت فرش کرمان است، تحولات عمده‌ای در صنعت مزبور شکل می‌گیرد که در ادامه بدان می‌پردازیم.

پویایی صنعت فرش کرمان و سرمایه‌گذاری تجار تبریز در آن

احیای تدریجی صنعت فرش در نیمه اول و اواسط قرن نوزدهم و شروع تقاضا برای فرش ایران در بازارهای جهانی در نیمه دوم این قرن، موجب به کار افتادن تدریجی سرمایه داخلی و خارجی در این رشته تولیدی گردید. در آغاز تجار بومی، خصوصاً بازرگانان تبریز، خواهان سرمایه‌گذاری در این بخش شدند. پیشگام بودن تجار تبریز در این امر را باید ناشی از موقعیت مناسب اقتصادی و تجارت ترانزیتی تبریز در دوره قاجار دانست؛ تا قبل از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) تبریز مهم‌ترین مرکز صادرات و واردات کالاهای داخلی و خارجی در شمال ایران بود و قسمت عمده تجارت کشور با روسیه و کشورهای اروپایی که از طریق خاک ترکیه انجام می‌گرفت، در این شهر متمرکز بود.^۳ بنابراین، تجار تبریز در همه بازارهای ایران مشغول دادوستد بودند و بیشتر تجارت خارجی کشور نیز در دست آنها بود. این بازرگانان در برخی از شهرهای عثمانی دارای نمایندگی تجاری بودند که تحت حمایت کنسولگری‌های ایران قرار داشت.^۴ عملکرد این بازرگانان نیز به این صورت بود که مصنوعات کشورهای اروپایی و روسیه را به تبریز و دیگر

۱. همان، ص ۲۲۲؛ انگلیش، ص ۶۲

۲. صوراسرافیل، ص ۳۱۶.

۳. یاکوب ادوارد پولاک، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاؤوس جهاننداری (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸)، ص ۲۹۴؛ چارلز عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار (۱۲۱۵-۱۳۳۲ق)، ترجمه یعقوب آژند (تهران: گستره، ۱۳۶۲)، ص ۱۶۵-۱۷۱.

۴. پولاک، ص ۳۹۵.

شهرهای ایران وارد^۱ و در مقابل، تولیدات داخلی را از طریق طرابوزان، ارزروم، استانبول، بادکوبه (باکو) و ایروان به این کشورها صادر می‌کردند.^۲

در این بین، شیوه تجار تبریز در بخش تجارت و صادرات فرش بدین نحو بود که در مراکز فرش بافی کشور نظیر کرمان، مشهد، اراک، کاشان، فارس و همدان نمایندگان تجاری داشتند.^۳ این نمایندگان فرش‌های کهنه و قدیمی را از بازارهای محلی و منازل قالی‌بافان خریداری می‌کردند و به تبریز انتقال می‌دادند. در تبریز قالی‌های جمع‌آوری‌شده را طبقه‌بندی می‌کردند و از طریق بایزید و ارزروم به بندر طرابوزان و از آنجا به قسطنطنیه (استانبول فعلی) می‌بردند که در آن زمان بازار بین‌المللی فرش و محل تجمع تجار و مشتریان اروپایی این کالا بود.^۴

تا هنگامی که مشتریان خارجی (عمدتاً غربی) متقاضی فرش‌های قدیمی بودند، این روند و عملکرد تجار تبریز ادامه داشت. اما تقاضای روزافزون برای فرش در بازارهای بین‌المللی و معدود بودن فرش‌های قدیمی در بازارهای داخلی، بافت فرش‌های نو را ایجاد می‌کرد. بنابراین، برخی از تجار سرشناس تبریز که سرمایه خوبی از طریق تجارت با تجار و شرکت‌های خارجی اندوخته بودند، تصمیم گرفتند علاوه بر فعالیت و سرمایه‌گذاری در بخش تجارت و صادرات فرش، از طریق سفارش بافت فرش به قالی‌بافان محلی و راه‌اندازی کارگاه‌های قالی‌بافی در شهرها و روستاهای مناطق مختلف کشور، نظیر کرمان، به سرمایه‌گذاری در بخش تولید و تهیه فرش‌های نو نیز مبادرت نمایند.

سرمایه‌گذاری تجار تبریز در بخش تولید فرش از منطقه آذربایجان شروع شد^۵، اما به‌زودی به دیگر مراکز قالی‌بافی کشور نیز سرایت کرد. براساس گزارش‌های موجود، در دهه ۱۸۸۰ و در آستانه سرمایه‌گذاری مستقیم تجار تبریز در بخش تولید و تجارت فرش کرمان، این صنعت تحت حمایت مقامات محلی کرمان و معدود تجار بومی که از حامیان تولید به شیوه سنتی بودند، صنعتی سازمان‌یافته به شمار می‌رفت و قابلیت عرضه در بازارهای جهانی را داشت.^۶ گزارش‌های سایکس به هنگام تأسیس کنسولگری بریتانیا در شهر کرمان در دهه ۱۸۹۰ به‌روشنی بیانگر این موضوع است. او در یکی از این گزارش‌ها می‌آورد: «[تنها] در خود کرمان در حدود یک هزار دستگاه قالی‌بافی دایر است که روی هر فردی یک

۱. اوژن اوین، *ایران امروز* (۱۹۰۶-۱۹۰۷م)، ترجمه علی اصغر سعیدی (تهران: زوار، ۱۳۹۱)، ص ۸۵.

۲. جرج ناتانیل کروز، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحیدمازندرانی، ج ۲ (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷)، ص ۶۷۱؛ بارون فیودور کوف، *سفرنامه*، ترجمه اسکندر ذبیحیان (تهران: فکر روز، بی‌تا)، ص ۱۱۸.

۳. اوین، ص ۸۶.

۴. ادواردز، ص ۸، ۶۶؛ *روزنامه اقبال*، ش ۱۷۲ (۱۳۴۵ق)، ص ۲.

۵. فلور، صنایع کهن، ص ۲۵.

۶. ادواردز، ص ۲۳۰.

استاد و دو الی سه طفل کارگر از روی نقشه‌ای که برای آنها خوانده می‌شود، کار می‌کنند...^۱ این تعداد در روستای راور حدود ۱۰۰ دستگاه و در دیگر روستاهای منطقه ۳۰ دستگاه بوده است.^۲ سایکس در ادامه می‌نویسد قالی کرمان

... از لحاظ نفاست و ظرافت و رنگ آمیزی فوق‌العاده اعلا و ممتاز است... گل و بوته کاری و رنگ‌آمیزی‌های بی‌نهایت ممتاز آن چیزی است که نظر تحسین انسان را جلب می‌کند... اندازه معمولی قالی‌های کرمانی هفت در چهار پا و شش اینچ [است]... در قالی‌های متداول کرمان در هر سی و نه اینچ ششصد و چهل جفت بافته می‌شود و این طرز بافت در بازارهای اروپا نهایت ظریف و مطلوب است. [خصوصاً آنکه] رنگ‌های جوهری... در قالی‌های کرمانی حتی الامکان به کار نمی‌رود.^۳

او سپس می‌افزاید: «... به‌طور تخمین سالی دویست هزار تومان که به نرخ امروز معادل چهل هزار پوند است، قالی در کرمان بافته می‌شود. قیمت یک فرد قالی ابریشمی... در حدود دو الی سه برابر قالی‌های پشمی است و قیمت هر فرد قالی... ده الی پانزده پوند است...»^۴ و سرانجام یادآوری می‌کند، چنانچه قالی‌ها و دست‌بافته‌های ظریف کرمان در کشورهای مختلف شناخته و مشهور شوند به صورت قالی‌های رسم روز در خواهند آمد، به‌ویژه آنکه برای پوشانیدن کف تالارهای پذیرایی مجلل بسیار مناسب‌اند.^۵ کرزن نیز که در اواخر قرن ۱۹ در ایران به سر می‌برده است، در خصوص نفاست و ارزش فرش کرمان می‌نویسد: «... فرش‌های کرمان رنگ عالی و طرح اصیل دارد و بسته به نوع جنس، قیمت آن متری از ده شیلینگ تا ده لیره است.»^۶

به این ترتیب، گزارش‌های فوق بیانگر آن است که همزمان با آغاز سرمایه‌گذاری تجار تبریز در صنعت فرش کرمان، به‌رغم اینکه سازمان تولید و تجارت فرش در این منطقه به صورت خانواری و سنتی بود، حسن توجه بافندگان و استفاده آنها از پشم مرغوب و رنگ‌های طبیعی محلی، نظیر قرمزدانه، روناس، پوست گردو، اسپرک، پوست انار، برگ مو، کاه و حنا در بافت فرش‌ها^۷ سبب شده بود صنعت مزبور از نظم نسبی برخوردار باشد.

۱. سایکس، ص ۲۳۳.

۲. ادواردز، ص ۲۲۹.

۳. سایکس، ص ۲۲۳-۲۳۴.

۴. همان، ۲۳۴.

۵. ادواردز، ص ۲۲۹.

۶. کرزن، ج ۲، ص ۲۹۹.

۷. ادواردز، ص ۲۳۴، ۲۴۰.

در چنین شرایطی، تجار تبریز با توجه به پویایی صنعت فرش کرمان و ظرفیت‌های این منطقه، نظیر نیروی کار ارزان و ماهر و در دسترس بودن مواد اولیه مورد نیاز، در اواخر دهه ۱۸۸۰ به سرمایه‌گذاری در صنعت فرش کرمان روی آوردند. آنها ابتدا، طبق همان رویه سابق، اقدام به خرید گسترده قالی و قالیچه‌های کهنه و نو از قالی‌بافان محلی کردند. سپس فرش‌های خریداری شده را برای صادرات به استانبول، به تبریز انتقال دادند. ولی این روش دیری نپایید، زیرا در اندک مدتی، علاوه بر تجار بومی، بر تعداد تجار و خریداران تبریزی نیز که به کرمان می‌آمدند، افزوده شد و فرش‌های موجود و در دست تولید خیلی کمتر از میزان تقاضا بود. از این رو، تجار تبریز ناگزیر شدند به قالی‌بافان شهر و روستاها سفارش بیشتری بدهند. در این مرحله تاجر به دو صورت عمل می‌کرد. او که سرمایه‌گذار و به نوعی تولیدکننده نیز محسوب می‌شد و اکنون نقش مقامات محلی را در حمایت از بافنده ایفا می‌کرد، طبق قراردادی که بین او و بافنده در جریان بود، بخشی از مواد اولیه مورد نیاز برای بافت یک فرش، مثلاً طرح مورد نظر و مقادیری پشم در رنگ‌های متفاوت، را در اختیار بافنده قرار می‌داد. همچنین مقداری از مبلغ قرارداد را از پیش می‌داد و سرانجام مابه‌التفاوت کار را به هنگام تحویل فرش پرداخت می‌کرد.^۱ اما گاه نیز تاجر هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال تهیه مواد اولیه مورد نیاز بافنده بر عهده نمی‌گرفت و تنها پس از پایان بافت فرش، قالی را از او تحویل می‌گرفت و بهای آن را پرداخت می‌کرد.

با همه این احوال، افزایش سفارش به قالی‌بافان حتی در کوتاه مدت نیز جوابگوی تقاضای بالای تجار نبود. به این ترتیب، تجار تبریز بر آن شدند با سرمایه‌گذاری بیشتر در صنعت فرش کرمان و راه‌اندازی کارگاه‌های قالی‌بافی و به‌کارگیری کارگران بومی نظم و یکپارچگی بیشتری در چرخه تولید ایجاد کنند و در واقع علاوه بر فعالیت در بخش تجارت فرش، مدیریت تولید را نیز در دست بگیرند.^۲ براساس گزارش‌های موجود، در شیوه تولید کارگاهی، تجار تبریز بر جریان تولید و تجارت نظارت مالی کامل داشتند. اما مستندات موجود از نحوه نظارت تکنیکی این سرمایه‌گذاران بر تولید (طرح و نقش)، و شرایط کاری بافندگان و ضوابط و وضعیت حاکم بر محیط کار آنها هیچ نوع گزارشی به دست نمی‌دهند. به هر ترتیب، با تلاش تجار تبریز، خصوصاً تولیدکنندگان (بافندگان) بومی، در اواخر قرن نوزدهم و در آستانه سرمایه‌گذاری تجار و شرکت‌های خارجی در صنعت فرش کشور، صنعت قالی‌بافی منطقه کرمان به دوران تقریباً بدون وقفه پیشرفت گام نهاد.

۱. فلور، صنایع کهن، ص ۲۴-۲۵.

۲. ادواردز، ص ۲۳۰.

سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در صنعت فرش کرمان

تقاضای روزافزون برای فرش ایران در بازارهای جهانی در اواخر قرن نوزدهم گسترش تولید آن را ایجاد می‌کرد. اما کارگاه‌هایی که با شرکت سرمایه‌گذاران خرده‌پای بومی راه‌اندازی شده بود، دیگر در شرایطی نبود که تقاضای این کالای پرخواستار را برآورده کند. بنابراین، در حالی که تأمین مالی این امر احتیاج به سرمایه‌گذاری بیشتری داشت، شرکت‌های خارجی عمدتاً غربی در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، تحت تأثیر عواملی چون رشد روزافزون تقاضا برای فرش ایران در بازارهای بین‌المللی، جذب سرمایه‌گذاری در صنعت فرش ایران شدند.

فعالیت این شرکت‌ها عملاً در دهه ۱۸۹۰ و از منطقه سلطان‌آباد (اراک) آغاز گردید که از مراکز اصلی فرش‌بافی کشور در دوره قاجار بود. شرکت‌های تجاری بریتانیا، ایتالیا، آلمان، روسیه و آمریکا از مهم‌ترین این شرکت‌ها بودند^۱ که تا آغاز جنگ جهانی اول، عملیات تولیدی و تجاری خود را در تمام مراکز قالی‌بافی کشور گسترش دادند^۲.

در این بین، چنانکه اشاره شد، منطقه کرمان به خاطر جایگاه سنتی آن در بافت فرش و شال و دارا بودن ظرفیت تولید فرش‌های مناسب برای بازارهای بین‌المللی، نظیر پشم مرغوب و بافندگان کارآزموده، از اواخر قرن ۱۹ مورد توجه شرکت‌های خارجی قرار گرفت. از مهم‌ترین شرکت‌های سرمایه‌گذار در صنعت فرش کرمان در این زمان شرکت انگلیسی «زیگلر»^۳، شرکت ایتالیایی «تیرکو کاستلی»^۴ و شرکت‌های تجاری امریکایی بودند که در ادامه به اقدامات تولیدی و تجاری آنها می‌پردازیم.

شرکت انگلیسی - سوئیسی زیگلر که تحت حمایت بریتانیا بود^۵، فعالیت‌های تجاری خود را در ایران در سال ۱۸۶۷ شروع کرد و نخستین شعبات خود را در شهرهای تبریز و رشت دایر گردانید. سرمایه‌گذاری این شرکت در حوزه صنعت فرش ایران عملاً از ابتدای دهه آخر قرن ۱۹ و از سلطان‌آباد آغاز گردید. زیگلر به تدریج شعباتی نیز در کرمان، یزد، تبریز، کاشان، مشهد، شیراز و همدان ایجاد کرد.^۶ بدیهی است روند فعالیت و سرمایه‌گذاری این شرکت در بخش تولید و تجارت فرش کرمان مشابه عملکرد آن در سلطان‌آباد بود. به این ترتیب که زیگلر با راه‌اندازی دفاتر تجاری در شهر کرمان، ابتدا فعالیت‌های تجاری

۱. احمد اشرف، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران* (تهران: زمینه، ۱۳۵۹)، ص ۵۳-۵۶؛ احمد سیف، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم* (تهران: چشمه، ۱۳۷۳)، ص ۱۷۴-۱۸۰.
۲. استادوخ، سال ۱۳۳۰ ق، کارتن ۵۴، پوشه ۳۷، برگ ۱-۵؛ *مجله فلاح و تجارت*، ش ۵ (۱۳۹۷)، ص ۸۵.

3. Ziegler

4. Nearco Castelli

۵. اشرف، ص ۵۳.

۶. همان.

۷. کرزن، ج ۲، ص ۶۸۳؛ آ. ن. کوزوتسوا، *پیرامون تاریخ نوین ایران*، ترجمه سیروس ایزدی (تهران: بین‌الملل، ۱۳۸۶)، ص ۲۴۱.

خود را محدود به خرید فرش‌های تولیدی این شهر و روستاهای پیرامون آن نظیر راور، ماهان و جوپار کرد. پس از چندی از طریق عاملان خود که معمولاً از افراد «اهل بلد» بومی بودند، اقدام به سفارش قالی نمود و با بافندگان محلی قرارداد بست.^۱ براساس اسناد موجود، در شیوه تولید خانواری، نماینده زیگلر دار قالی را در خانه قالی‌باف برپا می‌کرد. همچنین مواد اولیه و مقداری مساعده به او می‌داد. سرانجام پس از پایان کار و کارسازی باقی دستمزد قالی‌باف را پرداخت می‌کرد و فرش را تحویل می‌گرفت و به تجارتخانه می‌برد.^۲ اگر زیگلر در کرمان نیز به روش تولید خانواری در سلطان‌آباد نظارت کرده باشد، باید با بنجامین (سفیر آمریکا در ایران در سال‌های ۱۸۸۳-۱۸۸۵) هم‌عقیده شویم و بپذیریم که شرکت ضمن مدیریت مالی جریان تولید، تا حدودی بر جنبه‌های تکنیکی تولید نیز نظارت داشته است.^۳

در شیوه تولید خانواری جریان کار به کندی پیش می‌رفت. بنابراین، شرکت تصمیم گرفت با راه‌اندازی کارگاه‌های فرش‌بافی و صباغ‌خانه‌های اختصاصی در شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن و استخدام کارگران قالی‌باف که عمدتاً از زنان و کودکان بودند، خود مستقیماً مدیریت تولید را در دست گیرد.^۴ بدیهی است هدف اصلی زیگلر از راه‌اندازی شیوه تولید کارگاهی، ضمن یکپارچه‌سازی سازمان تولید و نظارت بر امور مالی و جنبه‌های تکنیکی آن، بافت فرش‌هایی با طرح‌های مخصوص شرکت بود،^۵ طرح‌هایی که باب سلیقه مشتریان اروپایی و امریکایی باشد.^۶ ما اطلاعی از این طرح‌ها نداریم، اما براساس گزارش‌های موجود، نقش مایه اصلی فرش کرمان در اواخر قرن ۱۹ باغ و بوستان و گل و گیاه بوده است. به عبارت دیگر، نقش‌های درختی گل و بلبل و پرنده‌ای یا بهارستان، نقش انسان و نقش سبزی‌کار از جمله طرح‌های رایج در این دوره به شمار می‌رفته است.^۷ رنگ‌های مورد استفاده در این کارگاه‌ها، رنگ‌های ثابت محلی و گاه رنگ‌های جوهری وارداتی از اروپا بوده است.^۸ گفتنی است، مستندات موجود هیچ اطلاعی از تعداد کارگاه‌های تحت نظارت زیگلر در کرمان، حجم فرش‌های تولیدی در این کارگاه‌ها و ارزش فرش‌هایی که شرکت از طریق مبادی جنوب کشور به مقصد اروپا و آمریکا صادرات می‌کرد، به دست نمی‌دهند.

از دیگر شرکت‌های سرمایه‌گذار در صنعت فرش کرمان در اواخر قرن ۱۹، شرکت ایتالیایی «نیرکو

1. Ittig, p. 881.

۲. استادوخ، سال ۱۳۱۹ق، کارتن ۲۴، پوشه ۷، برگ ۳-۹؛ کوزوتسوا، ص ۲۴۱.

۳. ساموئل گرین بنجامین، *ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه*، ترجمه محمدحسین کردبچه (تهران: اطلاعات، ۱۳۹۱)، ص ۳۸۶.

۴. ساکما، سند ۱۵۵۳۷/۲۴۰.

۵. استادوخ، سال ۱۳۳۱ق، کارتن ۵۴، پوشه ۶ برگ ۳۹؛ روزنامه اقدام، ش ۱۴۷ (۱۳۴۵ق)، ص ۲.

۶. بنجامین، ص ۳۸۶؛ کوزوتسوا، ص ۲۴۱؛ ساکما، سند ۱۵۵۳۷/۲۴۰.

۷. صوراسرافیل، ص ۳۱۶.

۸. ساکما، سند ۴۷۴۸۲/۲۴۰.

کاستلی و برادران» بود. نیرکو کاستلی از یک خانواده ثروتمند ایتالیایی بود که اعضای آن در نیمه دوم قرن ۱۹ در استانبول به بانکداری و بازرگانی اشتغال داشتند. چون آنها با بازرگانان تبریز نیز در ارتباط و دادوستد بودند، پس از چندی جان کاستلی، برادر نیرکو، در تبریز مستقر گردید و عهده‌دار کارگزاری بانک شاهنشاهی ایران در این شهر شد. بنابراین، فعالیت‌های تجاری شرکت کاستلی در حوزه فرش در اوایل قرن ۲۰ و از شهر تبریز شروع شد.^۱ شرکت به تدریج شعباتی در کرمان، کاشان و همدان دایر کرد. مرکز این شرکت در شهر نیویورک واقع بود و عملیات تجاری آن تحت حمایت دولت‌های امریکا و ایتالیا قرار داشت. آغاز عملیات کاستلی در کرمان به این صورت بود که او در دهه اول قرن ۲۰ با تأسیس دفتر تجاری بزرگی در شهر کرمان، شروع به سرمایه‌گذاری در صنعت فرش این منطقه نمود. بنا بر گزارش‌ها و مستندات موجود، میرزا علی‌اکبر تبریزی که گویا خود از تجار تبریزی فعال و کارآزموده در بخش تولید و تجارت فرش کرمان بود، اولین نماینده تجاری شرکت کاستلی در شهر کرمان بود.^۲ او پس از تأسیس شعبه تجاری کاشان در سال ۱۹۰۹، به خاطر تجربیات ارزنده‌ای که داشت، از طرف شرکت به کرمان منتقل گردید. پس از وی، جرج استیونس^۳، از دیگر اعضای شرکت که منابع از او به‌عنوان عضو پیشقدم در صنعت قالی‌بافی کرمان یاد می‌کنند، جانشین او شد.^۴ این شرکت نیز، مانند شرکت زیگلر، در ابتدا عملیات تجاری خود را محدود به خرید فرش کرمان و صادرات آن به اروپا و امریکا نمود. اما پس از مدتی از طریق بستن قرارداد با بافندگان خانگی محلی، راه‌اندازی کارگاه‌های بزرگ فرش‌بافی و تأسیس انبارها و اتاق‌های رنگرزی، همچنین نظارت بر امور مالی و کنترل جنبه‌های فنی و تکنیکی تولید (متناسب با طرح‌های مد نظر شرکت)^۵ خود به کار تولید فرش در این منطقه دست زد. مستندات موجود از شمار قالی‌بافان طرف قرارداد با شرکت، تعداد دستگاه‌های تحت نظارت کاستلی در شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن و ارزش فرش‌های صادرشده توسط این مؤسسه حرفی نمی‌زند. اما براساس معدودی از این اسناد که در آنها به تحصن قالی‌بافان طرف قرارداد با شرکت در سال ۱۹۱۱ در کنسول‌گری انگلیس واقع در شهر کرمان اشاره شده است، می‌توان از وسعت عملیات تولیدی و تجاری این شرکت در منطقه آگاهی یافت. در این گزارش‌ها که شامل مکاتبات ارسالی از وزارت امور خارجه وقت به وزارت داخله است، چنین آمده است:

... موافق تلگرافی که به‌تازگی از کرمان به سفارت [ایتالیا] رسیده، سیصد نفر از قالی‌باف‌های

۱. ادواردز، ص ۲۳۰.

۲. همان.

3. George Stevens

۴. همان، ص ۱۵۴؛ استادوخ، سال ۱۳۲۷ق، کارتن ۵۴، پوشه ۲۶، برگ ۲۵.

۵. استادوخ، سال ۱۳۳۲ق، کارتن ۵۴، پوشه ۷، برگ ۷-۱.

کارکنان تجارتخانه [کاستلی] به ایراد اینکه دارالتجاره از مواد کنترت‌های منعقدہ با آنها تخلف نموده و اجرت آنها را نپرداخته، این اوقات در قنسولگری انگلیس، کفیل منافع اتباع ایتالی در کرمان، تحصن جست‌ه‌اند و تجارتخانه هم نظر به عدم امنیت و سرقت متواتره و حال بحرانی که فعلاً به واسطه بی‌مساعدهتی مأمورین محلی در امور خود مشاهده می‌نمایند، درصدد است که کنترت‌های آنها را فسخ نماید...^۱

در ادامه این مکاتبه یادآوری شده است:

... عدم امنیت طرق و بی‌مبالاتی مأمورین محلی، بعد از اینکه یک تجارتخانه ایتالیایی را مبالغی متضرر کرده، حال اسباب خانه‌خرابی چند صد نفر عملجات ایرانی شده... این ترتیب فقط یک علاج دارد و آن اینکه حکومت مرکزی باید چه رأساً و چه به توسط مأمورین محلی ضمانت‌های مؤثر برای امنیت حمل و نقل مال‌التجاره به تجارتخانه کاستلی بدهد و در استرداد مقدار معتنا به قالی که از این تجارتخانه سرقت شده، بیش از این تأخیر نکند. اگر این خواهش جداً و سریعاً به عمل آید، اتباع ایتالیا می‌توانند مجدداً تجارت و صنعت را که فعلاً لاد و لاعلاج رها کرده‌اند، از سر گرفته و عملجاتی که بیکار شده‌اند، به تحصیل معاش اشتغال پیدا خواهند کرد...^۲

به علاوه، با کمی غور در مستندات فوق، متوجه می‌شویم که بیشتر مکاتبات شرکت‌های خارجی با دولت وقت ایران در خصوص تأمین امنیت راه‌های مواصلاتی کرمان به فارس (بندرعباس و بوشهر)، یعنی مسیر عبور مال‌التجاره این شرکت‌ها به گمرک بنادر جنوب، و استرداد مال‌های به سرقت‌رفته از طوایف جنوب نظیر بلوچ، بهارلو، دشمن‌زیاری و غیره، از آن شرکت کاستلی بوده است.^۳ با این تفاسیر، بدیهی است شرکت کاستلی از مهم‌ترین شرکت‌های سرمایه‌گذار در صنعت فرش کرمان در ربع اول قرن ۲۰ بوده است. سرانجام، در ابتدای جنگ جهانی اول، همه امکانات و سرمایه این شرکت به شرکت‌های امریکایی انتقال یافت که همزمان از سرمایه‌گذاران اصلی صنعت فرش کرمان در سه دهه آغازین سده مذکور بودند و شرکت «قازان» عهده‌دار تمامی منافع کاستلی در صنعت فرش کشور گردید.^۴ اما عمده‌ترین شرکت‌های سرمایه‌گذار در صنعت فرش کرمان در اواخر دوره قاجار که قسمت اعظم عملیات تولید و تجارت فرش منطقه کرمان را به خود اختصاص داده بودند، شرکت‌های تجاری امریکایی بودند. این شرکت‌ها در دهه اول قرن ۲۰ به سرمایه‌گذاری در تولید و تجارت فرش ایران روی آوردند و

۱. استادوخ، سال ۱۲۲۹ق، کارتن ۵۴، پوشه ۲۶، برگ ۷۱.

۲. همان.

۳. استادوخ، سال ۱۳۳۰ق، کارتن ۵۴، پوشه ۱۲، برگ ۳-۸؛ همان، سال ۱۳۳۲ق، کارتن ۵۴، پوشه ۱، برگ ۵-۱۵؛ ساکما، سند ۲۹۳/۴۴۱۶.

۴. استادوخ، سال ۱۳۳۳ق، کارتن ۵۴، پوشه ۳۱، برگ ۴.

به‌رغم وقفه‌ای که در این چرخه در بین سال‌های جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) اتفاق افتاد، تا پایان دوره قاجار به فعالیت‌های تجاری خود ادامه دادند. مرکز این شرکت‌ها در نیویورک واقع بود^۱ و تجارتخانه اصلی آنها در سلطان‌آباد قرار داشت^۲. به علاوه در کرمان، کاشان، اصفهان، همدان، خراسان، همدان، یزد، ساوه، محلات و تبریز نیز دارای نمایندگی تجاری بودند^۳.

براساس اسناد موجود، شرکت‌های قالی شرق^۴، قازان^۵، تاوشانچیان^۶، قره‌گزیان^۷، میسیریان^۸، تیریکیان^۹، براندلی^{۱۰}، تلفیان^{۱۱}، برادران باردویل^{۱۲} و فریتس و لارو^{۱۳} نیز از دیگر شرکت‌های سرمایه‌گذار در صنعت فرش کرمان بودند. فعالیت‌های تولیدی و تجاری این شرکت‌ها در صنعت فرش کرمان که زیر نظر دولت انگلیس^{۱۴} و امریکا^{۱۵} قرار داشتند، از دهه اول قرن ۲۰ آغاز گردید. شرکت‌های مزبور علاوه بر سرمایه‌گذاری در بخش خرید، تجارت و صادرات فرش کرمان از طریق گمرک بندرعباس^{۱۶} به مقصد نیویورک، لندن و پاریس^{۱۷}، در بخش تولید نیز سرمایه‌گذاری کرده بودند. به عبارت دیگر، این شرکت‌ها ضمن راه‌اندازی نمایندگی تجاری در کرمان و روستاهای آن^{۱۸} و خرید فرش‌های موجود در بازار و بستن قرارداد با قالی‌بافان شهر و روستاهای پیرامون نظیر راور، ماهان، کوهپایه، زرنند و جوپار، شماری از کارگران را نیز برای جمع‌آوری کلاف و حلاجی پشم به کار گرفته بودند^{۱۹}. در این بین، قالی‌بافان خانگی به‌رغم اینکه «... با پول و نقشه تجارتخانه‌های امریکایی قالی می‌بافتند، [اما گاه] قالی‌های مزبور را گرو گذاشته یا اینکه بدون اطلاع آنها، تصرفاتی...»^{۲۰} در قالی‌ها می‌کردند و در بعضی موارد نیز ضمن تأخیر در

۱. ساکما، سند ۸۸۵۹/۲۶۰.

۲. همان، سند ۶۸۴۰/۲۴۰.

۳. استادوخ، سال ۱۳۳۰ق، کارتین ۵۴، پوشه ۲۱، برگ ۱-۵؛ مجله فلاح و تجارت، ش ۵ (۱۲۹۷ش)، ص ۸۵.

۴. Oriental Carpet: استادوخ، سال ۱۳۰۳ق، کارتین ۵۷، پوشه ۱۶، برگ ۱.

۵. Qazan: همان، سال ۱۳۰۱ش، کارتین ۵۷، پوشه ۷، برگ ۱۰-۱۲.

۶. Taushandjian: همان، سال ۱۳۰۱ش، کارتین ۵۷، پوشه ۹، برگ ۴-۵.

۷. Qaraqozian: ساکما، سند ۷۸۹۱/۲۶۰.

۸. Missirian

9. Tyriakian

۱۰. Brandyly: استادوخ، سال ۱۳۳۰ق، کارتین ۵۴، پوشه ۲۱، برگ ۷-۸؛ همان، سال ۱۳۳۴ق، کارتین ۵۵، پوشه ۱۳، برگ ۳.

۱۱. Telpheyan: همان، سال ۱۳۰۱ش، کارتین ۵۷، پوشه ۱۴، برگ ۳.

۱۲. Bar deville: ساکما، سند ۱۶۰۱/۲۴۰.

۱۳. Fritz and Larue: استادوخ، سال ۱۳۳۳ق، کارتین ۵۴، پوشه ۱۹، برگ ۱-۹.

۱۴. ساکما، سند ۱۵۵۳۷/۲۴۰.

۱۵. استادوخ، سال ۱۳۳۶ق، کارتین ۵۵، پوشه ۵، برگ ۵-۶.

۱۶. همان، سال ۱۳۳۰ق، کارتین ۵۴، پوشه ۳۷، برگ ۱.

۱۷. ساکما، سند ۲۳۴۶/۲۴۰.

۱۸. استادوخ، سال ۱۳۰۲ش، کارتین ۵۷، پوشه ۱۴، برگ ۱.

۱۹. همان، سال ۱۳۰۲ش، کارتین ۵۷، پوشه ۲۹، برگ ۴-۵؛ انگلیش، ص ۶۳، ۱۲۲؛ سیف، ص ۱۶۴، ۴۶۲.

۲۰. استادوخ، سال ۱۳۰۵ش، کارتین ۳۸، پوشه ۳، برگ ۱-۵.

بافت و تحویل قالی‌ها، بدون آگاهی شرکت اقدام به فروش خامه آنها می‌نمودند.^۱ بنابراین، شرکت‌های تجاری برای رهایی از این‌گونه اختلافات که منجر به تعطیلی کار تجارخانه‌ها می‌شد،^۲ تصمیم گرفتند دفاتر اداری و کارگاه‌های قالی‌بافی در کرمان و روستاهای آن ایجاد کنند و با به‌کارگیری تعداد زیادی از بافندگان بومی، مدیریت این صنعت را نیز در اختیار بگیرند.^۳ اما مهم‌ترین اقدام این شرکت‌ها راه‌اندازی صباغ‌خانه‌های اختصاصی و عرضه خامه و کلاف‌های رنگ‌شده به قالی‌بافان طرف قرارداد بود. در همین خصوص، اداره مالیات کرمان طی مکاتبات خود با وزارت مالیه می‌آورد: «... عجلتاً کار صباغی و قالی‌بافی کمپانی [قالی شرق] فوق‌العاده توسعه پیدا کرده... تمام کار صباغی... را خود کمپانی مزبور و کارکن‌های خودشان متحمل شده و ابداً رجوع به دکاکین قالی‌بافی نمی‌نمایند...»^۴ بنا به ادعای این شرکت‌ها، اقدام فوق‌فی‌نفسه مشکلی در روند کار ایجاد نمی‌کرد. اما با توجه به خودداری شرکت‌ها از پرداخت مالیات صباغی، باید گفت این کار نه‌تنها باعث ایجاد مانع در کارسازی مالیات این صنف می‌گردید، بلکه موجبات بیکاری شماری از رنگرزه‌ها را نیز فراهم می‌ساخت. چنانکه اداره مالیات کرمان در ادامه مکاتبات فوق می‌آورد:

درخصوص مطالبه مالیات از تجارخانه‌های قازان و تاوشانچیان، تجارخانه‌های مزبوره اظهار می‌دارند پشیمی را که رنگ می‌کنند، فقط برای مصرف کارخانه‌های خودشان است و از این جهت ضرری به صباغ‌ها نمی‌رسد... در صورتی که تجارخانه‌ها... تقبل پرداخت مالیات را به قدر سهم ننمایند، صنف قالی‌باف هم نخواهد داد و این مالیات لاوصول می‌ماند. به علاوه جمعی صباغ کرمان که به این وسیله کسب و گذران می‌نموده‌اند، به‌مرور از میان خواهند رفت، در صورتی که به‌خوبی از عهده رنگ‌هایی که تجارخانه‌های خارجه دستور بدهند، می‌توانند برآیند.^۵

به این ترتیب، بنا بر منابع، تجارخانه‌های امریکایی از بهترین تجارخانه‌های کرمان محسوب می‌شدند. مثلاً شرکت قالی شرق که مرکز آن در سلطان‌آباد و تحت مدیریت مسیو زکینی^۶ بود، دارای یک هزار باب کارخانه قالی‌بافی در این منطقه بود^۷ و محوطه وسیعی در شهر کرمان به محل کار کارکنان و بافندگان، انبارهای تجاری و اتاق‌های رنگرزی این شرکت اختصاص داشت؛ فقط محوطه تأسیسات

۱. ساکما، سند ۳۶۰/۹۱۳۵؛ روزنامه اقدام، ش ۱۷۴ (۱۳۴۵ق)، ص ۲.

۲. استادوخ، سال ۱۳۰۲ش، کارتن ۵۷، پوشه ۱۴، برگ ۱-۶.

۳. ساکما، سند ۲۴۰/۱۵۵۳۷.

۴. همان.

۵. همان.

6. Monsieur Zuchini

۷. ساکما، سند ۳۶۰/۵۳۴۴؛ استادوخ، سال ۱۳۲۸ق، کارتن ۴۶، پوشه ۳، برگ ۵.

۸. ساکما، سند ۳۶۰/۵۳۴۴.

متعلق به «... رئیس، نایب و دفتردار [آن]... در خارج شهر، سمت شمال شرقی کرمان، زمینی از اراضی [بود] که هفده هزار و پانصد زرع مکعب...» را در بر می‌گرفت.^۱

از وسعت عملیات تولیدی و تجاری شرکت‌های امریکایی، یعنی تعداد کارگاه‌ها و شمار دارهای تحت نظارت آنها، همچنین حجم قالی‌های تولیدی و ارزش فرش‌هایی که این شرکت‌ها از منطقه کرمان صادر می‌کردند، آگاهی درستی نداریم. اما اگر براساس مستندات فوق، شمار قالی‌بافان شرکت قالی شرق در شهر کرمان و روستاهای آن را بین شش تا هفت هزار نفر در نظر بگیریم^۲، به خوبی متوجه وسعت و میزان سرمایه‌گذاری این شرکت‌ها در صنعت فرش کرمان خواهیم شد. آنچه مشخص است، در دو دهه پایانی حکومت قاجار بیشتر کارگاه‌های قالی‌بافی و قسمت اعظم عملیات تولید و تجارت فرش در منطقه کرمان تحت نظارت و در اختیار مستقیم شرکت‌های امریکایی بوده است.^۳ به عبارت دیگر، توسعه صنعت قالی‌بافی کرمان در اوایل سده ۲۰ نتیجه تقاضای بازار امریکا برای فرش این منطقه بود، چرا که اکثر مردم این کشور طالب قالی‌هایی در اندازه‌های ۹×۶ پا تا ۱۵×۳ پا بودند و این‌گونه قالی‌ها بیشتر توسط قالی‌بافان کرمان و با استفاده از دارهای گردان تولید می‌شد.^۴

با وجود توسعه روزافزون عملیات تولیدی و تجاری شرکت‌های خارجی در صنعت فرش کرمان در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، انتظار می‌رفت شرایط کاری و وضعیت حاکم بر محیط کار کارگران قالی‌باف بهبود یابد. اما به دلیل سوءاستفاده کارفرمایان از نیروی کار ارزان و نبود قانون کار و کارگری در کشور^۵، حتی در سال‌های پایانی دوره قاجار نیز هیچ‌گونه تغییر و پیشرفتی در شرایط مذکور حاصل نشد. اقسار زحمتکش قالی‌باف با دریافت دستمزد ناچیزی که بسته به مهارتشان روزانه بین نیم تا پنج قران بود^۶، از داشتن حداقل امکانات زندگی محروم بودند و در محیطی کاملاً غیربهداشتی و فاقد حداقل امکانات رفاهی و بهداشتی لازم کار می‌کردند. در این خصوص در سال ۱۹۲۱ وزارت فلاح و تجارت در گزارش خود می‌آورد: «... وضعیت کارگران و کارخانجات قالی‌بافی کرمان به کلی برخلاف حفظ الصحة و به قسمی است که پس از چندی اطفال کارگر در کارخانجات به کلی علیل و فلج شده در اول جوانی از کار می‌افتند...»^۷ همزمان، سازمان بین‌المللی مشاغل نیز محیط کار کارگران قالی‌باف را دور از انتظار توصیف می‌کند و در گزارشی می‌نویسد: «... در اتاق‌های کوچک، با سقف‌های کوتاه و بدون جریان هوا

۱. استادوخ، سال ۱۳۳۰ق، کارتن ۳۰، پوشه ۴۱، برگ ۵.

۲. همان.

۳. استادوخ، سال ۱۳۳۶ق، کارتن ۳۱، پوشه ۹، برگ ۱-۲؛ ساکما، سند ۱۵۵۳۷/۲۴۰؛ همان، سند ۲۴۰/۳۲۴۶.

۴. ادواردز، ص ۲۳۳.

۵. استادوخ، سال ۱۳۳۹ق، کارتن ۵۹، پوشه ۵، برگ ۶-۷.

۶. ویلم فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۲ (تهران: توس، ۱۳۶۵)، ص ۲۸.

۷. ساکما، سند ۲۹۲/۶۴۴۶.

کارگران زیادی در شرایطی غیربهداشتی به بافندگی مشغول‌اند. در این واحدها، کودکان حتی از سن پنج سالگی مشغول به کارند و از طلوع آفتاب تا غروب کار می‌کنند...»^۱

این‌گونه گزارش‌ها دولت را تا حدودی به تکاپو واداشت. ایران در سال ۱۹۲۱ به سازمان بین‌المللی کار پیوسته بود. بنابراین، متأثر از گزارش‌های مذکور، وزارت امور خارجه طی مکاتبه با وزارت داخله، خواستار پیگیری و بهبود وضعیت بافندگان قالی در کرمان شد:

از طرف اداره بین‌المللی مشاغل مکرر به وزارت امور خارجه برای ترفیة حال اطفالی که در کاخانجات قالی‌بافی کرمان کار می‌کنند مراجعه شده و درخواست کرده‌اند دولت علیه برای آسایش احوال آنها اقداماتی به عمل آورده، نتیجه را اطلاع بدهند. از سفارتین انگلیس و امریکا هم همین‌طور تقاضا شده است. چون موقع تشکیل کنفرانس بین‌المللی مشاغل نزدیک است و نتیجه اقدامات دولت در این خصوص باید معین شود، متمنی است به حکومت کرمان دستورالعمل صادر فرمایند در این خصوص که سابقاً از طرف وزارت فواید عامه هم مراجعه شده چه اقدام نموده. متمنی است هرچه زودتر نتیجه اقدامات حکومت کرمان را برای استحضار وزارت امور خارجه مرقوم فرمایند که زمینه جواب دولت علیه حاضر گردد...^۲

در ادامه این گزارش آمده است: «... واقعاً این قسم رفتار نسبت به تنها طبقه کارگر این مملکت خجالت‌آور است و نظر به عضویت دولت علیه در مجمع اتفاق ملل در این قبیل مسائل دقت و اهتمام به عمل آید که مسئولیتی به عهده دولت ایران وارد نیامده و در آینده تولید مشکلات و محظوراتی برای دولت ننماید...»^۳ سرانجام گزارش‌ها و پیگیری‌های اداره بین‌المللی کار درخصوص وضعیت نامناسب بافندگان کارگاه‌ها و شرایط حاکم بر محیط کار آنها در کرمان مؤثر واقع شد. در سال ۱۹۲۳ دولت به سردار معظم، والی کرمان و بلوچستان در اواخر دوره قاجار، دستور داد که فرمان ذیل را ابلاغ نماید:

نظر به لزوم مراعات حفظ الصحة و بهبودی شرایط کار کردن کارگران کارخانجات قالی‌بافی و نظر به لزوم مراعات مقررات و احکام مذهب مقدس اسلام که همواره منظور نظر هیئت محترم دولت... می‌باشد، موارد ذیل مقرر می‌گردد: ۱. مدت کار کردن برای تمام کارگران کارخانجات قالی‌بافی هشت ساعت بوده و هیچ‌یک از کارفرمایان حق ندارند بیش از مدت مزبور کارگران کارخانه خود را وادار به کار نمایند. ۲. روزهای جمعه و اعیاد تعطیلی و مملکتی کارخانجات قالی‌بافی باید حتماً تعطیل بوده و کارگران در روزهای تعطیل نیز استفاده از اجرت خواهند نمود.

۱. سیف، ص ۱۹۵.

۲. ساکما، سند ۲۹۳/۶۴۴۶.

۳. استادوخ، سال ۱۳۳۹ق، کاترن ۵۹، پوشه ۵، برگ ۱۱-۱۳.

۳. سن اطفالی که در کارخانه‌ها کار می‌نمایند برای پسرها نباید کمتر از هشت سال و برای دخترها کمتر از ده سال باشد. ۴. کارخانه پسران و دختران باید از هم به کلی مجزا بوده و کار کردن مخلوط آنان ممنوع است. ۵. نقشه‌گوی کارخانجاتی که دخترها در آن کار می‌کنند باید زن بوده و گماردن نقشه‌گوی مردانه برای دختران کارگر اکیداً ممنوع است. ۶. صاحبان کارخانجات حق ندارند که کارگرانی را که دارای امراض مسری می‌باشند اجیر کرده و نگاه دارند. ۷. دایر کردن کارخانجات قالی‌بافی در زیرزمین‌ها و محل‌های مرطوب اکیداً ممنوع است و کارخانجات باید دارای پنجره‌های رو به جنوب باشد که از حیث آفتاب منقصد ناقص نباشد. ۸. کارگاه‌های قالی باید تقریباً یک زرع از سطح زمین بلندتر و نشستگاه اطفال باید به قدر کفایت مرتفع باشد که در موقع کار کردن راحت باشند. ۹. رئیس حفظ الصحة و یا طبیب بلدیه مکلف خواهد بود که ماهی یک مرتبه کارخانه‌های قالی‌بافی را معاینه کرده و در صورت عدم موافقت شرایط کار کارگران با اصول حفظ الصحة مراتب را به مقامات لازمه اطلاع دهند که جلوگیری به عمل آید. ۱۰. هر یک از تخلف‌کنندگان از مواد فوق محکوم به مبلغ از ده الی پنجاه تومان جزای نقدی [هستند] که به اداره معارف برای کمک به مدارس پرداخت خواهد شد و یا از یک الی بیست روز حبس خواهند شد. ۱۱. اداره نظمیة مأمور اجرای مواد فوق و مراقبت در عدم تخلف از آن می‌باشد.^۱

به این ترتیب، تحقیقات سازمان بین‌المللی کار درخصوص حرفه قالی‌بافی و وضعیت کارگران این حرفه باعث توجه دولتمردان ایران به اوضاع و شرایط این قشر زحمتکش و مولد گردید و در سال ۱۹۲۳ نخستین قانون کار در ایران تصویب شد. اما این قانون فقط در یک بخش صنعتی، یعنی صنعت قالی‌بافی، و فقط در ناحیه کرمان اعمال گردید و پس از انتشار این قانون در کتاب قانون سازمان بین‌المللی کار، همه نفس راحتی کشیدند و دولت دیگر به اجرای آن علاقه‌ای نشان نداد. در این بین، اگرچه جنگ جهانی اول ناگزیر باعث تعطیلی تجارخانه‌های خارجی^۲ و ایجاد رکود نسبی در صنعت قالی‌بافی کرمان و جلوگیری موقت از ورود قالی این منطقه به امریکا شد^۳، اما همین که جنگ پایان یافت، مجدداً صنعت مزبور رشد چشمگیری کرد و میزان تقاضا برای قالی و قالیچه‌های کرمان در امریکا^۴ و اروپا^۵، بیش از هر زمان دیگر، افزایش یافت. در این هنگام (دهه ۱۹۲۰) با خروج تجار تبریزی

۱. ساکما، سند ۲۹۳/۵۵۰۷.

۲. استادوخ، سال ۱۳۳۲ق، کارتن ۴۴، پوشه ۲، برگ ۵-۸.

۳. مجله فلاح و تجارت، ش ۱۱ (۱۲۹۷ش)، ص ۱۹۲؛ استادوخ، سال ۱۳۳۶ق، کارتن ۳۱، پوشه ۹، برگ ۲-۳.

۴. استادوخ، سال ۱۳۰۴ش، کارتن ۳۸، پوشه ۵۶، برگ ۱-۴.

۵. روزنامه اقدام، ش ۳۶۶ (۱۳۴۵ق)، ص ۲.

از دور فعالیت و سرمایه‌گذاری در صنعت فرش کرمان، این صنعت کاملاً تحت مدیریت شرکت‌های امریکایی درآمد و تولیدات آن نیز، چه از لحاظ کمیت و چه از لحاظ کیفیت، به عالی‌ترین مدارج ترقی و تعالی رسید.^۱ در همین زمان بود که شرکت‌ها و بازرگانان امریکایی سلیقه مشتریان خود را به طراحان و هنرمندان کرمانی تحمیل کردند. اما تحمیل این سلیقه هرگز به حد غرب‌زدگی نرسید و قالی کرمان را از سنت طراحی ایرانی دور نکرد و چه بسا تنوع آن را دوچندان ساخت. به عبارت دیگر، در این دوره که به لحاظ کاربرد طرح و نقش به «عصر بازگشت» معروف است، نقش و نگاره‌های دوره صفوی یعنی نقش‌های اسلیمی و گل‌های شاه‌عباسی از نقش‌های قاب قرآنی و لچک‌های انبوه رایج گردید و مورد تقلید هنرمندان این منطقه قرار گرفت.^۲

لازم به یادآوری است، همزمان با سرمایه‌گذاری و فعالیت تجار و شرکت‌های خارجی در صنعت فرش کرمان (دهه اول و دوم قرن ۲۰)، تجار تبریز و بازرگانان بومی منطقه نیز سرمایه‌گذاری محدودی در این بخش داشتند. براساس مستندات، بازرگانان سرشناسی چون حاج حسن تبریزی^۳، حاجی آقا علی صاحب^۴ و آقا محمدعلی الهی^۵ از جمله این تجار بودند که در زمینه تولید، تجارت و صادرات قالی و قالیچه کرمان از طریق گمرک بندرعباس و دزداب (زاهدان) به هندوستان^۶، مصر^۷ و لندن^۸ فعالیت می‌کردند. براساس اطلاعات معدود این اسناد، تراکم صادرات فرش از طریق گمرک بندرعباس و معطلی مال‌التجاره مزبور در آن و از طرف دیگر، تسهیلات تجارت این کالا از راه دزداب، از عوامل اصلی تمایل تجار بومی به صادرات نامنظم فرش‌های کرمان از طریق این کانون به بازار بمبئی بوده است.^۹

به این ترتیب، متأثر از سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، صنعت فرش کرمان در اواخر دوره قاجار رشد چشمگیری یافت. چنانکه شمار دارهای قالی‌بافی این ایالت از ۲۲۰ دار در ۱۸۵۰ به ۱۰۰۰ دار در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، و حدود ۳۰۰۰ دار در سال ۱۹۱۴ و ۵۰۰۰ دار در سال‌های پایانی دوره قاجار رسید. ارزش قالی‌های تولیدی نیز، با رشد ۲۰ درصدی، از ۱۵۰۰۰ تومان در سال ۱۸۵۰ به ۳۰۰,۰۰۰ تومان در سال ۱۹۰۴ رسید.^{۱۰} همچنین براساس مستندات موجود، ارزش معاملات سالانه قالی در کرمان

۱. ادواردز، ص ۲۳۰، ۲۳۸؛ استادوخ، سال ۱۳۰۴ ش، کارتن ۲۶، پوشه ۹، برگ ۳.

۲. مجله فلاح و تجارت، ش ۹ (۱۲۹۷ ش)، ص ۱۵۱؛ صوراسرافیل، ص ۳۲۱.

۳. ساکما «مرکز اسناد کرمان»، سند ۹۹/۲۳۰/۴۳.

۴. همان، سند ۹۹/۲۳۰/۲۳۰.

۵. همان، سند ۹۹/۲۳۰/۴۹۳.

۶. همان، سند ۹۹/۲۳۰/۶۷۷.

۷. همان، سند ۹۹/۲۳۰/۴۵.

۸. همان، سند ۹۹/۲۳۰/۴۹۳.

۹. همان، سند ۹۹/۲۳۰/۶۷۷.

۱۰. سیف، ص ۱۷۸-۱۷۹؛ ادواردز، ص ۲۳۰.

در سال‌های پایانی دوره قاجار «... مطابق تخمینی [سال ۱۹۲۲]... یک میلیون تومان بلکه متجاوز» از آن بوده است.^۱ در این بین، توسعه صنعت قالی‌بافی در قیمت مواد اولیه مورد نیاز آن نیز تأثیر بسزایی داشت. گزارش‌ها حکایت از آن دارد که در سال ۱۸۵۰، قیمت پشم مرغوب در کرمان که عموماً از مراکز بم، رودبار، رفسنجان، جیرفت، کوهپایه و حومه شهر کرمان تأمین می‌شد،^۲ معادل ۲ قران برای «من» یا ۲۰۰ قران برای «خروار» بود و در سال ۱۸۹۴ به ۷۰۰ قران رسید.^۳

نتیجه‌گیری

کرمان از دیرباز از مراکز اصلی صنایع دستی در کشور بوده است. خصوصیات اقلیمی و جغرافیایی این منطقه، نظیر آب و هوای گرم و خشک و محدودیت منابع آبی برای کشاورزی، از دلایل اصلی گرایش مردم این خطه به صنایع دستی بوده است. شال‌بافی و فرش‌بافی از مهم‌ترین این صنایع است که مشخصاً از دوره صفویه در کرمان رواج داشته است. در نیمه اول قرن ۱۹ شال‌بافی صنعت عمده کرمان بود و در ابتدای نیمه دوم این قرن شال‌های صادراتی آن شهرت جهانی داشت، اما همزمان کرمان از مراکز اصلی بافت فرش در کشور نیز محسوب می‌شد. در این دوره تولید فرش در کرمان محدود بود و روستاییان، ایلات و معدود بافندگان شهری در کارگاه‌های کوچک خانگی و توسط اعضای خانواده به این حرفه مشغول بودند و فرش به‌عنوان یک کالای تجاری داخلی عمدتاً در بازارهای داخل کشور مبادله می‌شد. اما در دهه‌های پایانی قرن مذکور، با رکود تدریجی صنعت شال‌بافی در کرمان و روی آوردن بافندگان شال به بافت فرش، این صنعت پس از گذراندن دوران احیای خود در نیمه اول قرن ۱۹، وارد دوره‌ای از تحول و رونق گردید. در این زمان بود که تجار تبریز با توجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ایالت کرمان به سرمایه‌گذاری در بخش خرید و تجارت فرش این منطقه روی آوردند. عملیات تجاری این تجار محدود به این بخش نگردید. آنها به تدریج با سفارش بافت فرش به بافندگان خانگی و سپس ایجاد کارگاه‌های قالی‌بافی و سازماندهی صنعت فرش کرمان، در بخش تولید فرش نیز سرمایه‌گذاری کردند. و بدین ترتیب، به‌عنوان حامیان اصلی تولید و تجارت فرش در کرمان، به نوعی جایگزین مقامات و استادکاران محلی شدند و نقش عمده‌ای در پویایی صنعت فرش کرمان ایفا کردند. این‌گونه بود که در آستانه ورود و سرمایه‌گذاری تجار و شرکت‌های خارجی (غربی) در صنعت فرش کشور، صنعت قالی‌بافی این منطقه و برخی از روستاهای آن به دوران تقریباً بدون وقفه پیشرفت گام نهاد.

۱. ساکما، سند ۱۵۵۳۷/۲۴۰.

۲. ادواردز، ص ۲۳۲-۲۳۳؛ مجله اطلاق تجارت، ش ۳ (۱۳۰۸ش)، ص ۲۸.

۳. ادواردز، ص ۱۸۳.

اما رشد تولید و تجارت فرش در آذربایجان به اینجا ختم نشد. در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، تجار و شرکت‌های خارجی نظیر شرکت‌های انگلیسی، ایتالیایی و امریکایی نیز تحت تأثیر در دسترس بودن مواد اولیه مرغوب و نیروی کار ماهر و ارزان، همچنین تقاضای روزافزون برای فرش‌های منطقه کرمان در بازارهای بین‌المللی، سرمایه‌گذاری در صنعت فرش این منطقه را سودآور تشخیص دادند و به فعالیت تجاری در این بخش روی آوردند. این شرکت‌ها با ایجاد تجارتخانه‌ها، دفاتر تجاری، انبارها، کارگاه‌های بزرگ قالی‌بافی و اتاق‌های رنگرزی اختصاصی در سطح کرمان و به‌کارگیری تعداد زیادی از بافندگان قالی‌باف با حداقل دستمزد، تحول دیگری را در صنعت فرش کرمان رقم زدند. چنانکه با افزایش شمار دارهای قالی در منطقه کرمان از ۱۰۰۰ دار در اواخر قرن ۱۹ به حدود ۳۰۰۰ دار در سال ۱۹۱۴، علاوه بر آنکه حجم فرش‌های تولیدی در سطح این ایالت افزایش قابل توجهی یافت، ارزش قالی‌های صادره از کرمان به بازارهای جهانی، خصوصاً بازار امریکا، نیز سیر صعودی به خود گرفت.

در این بین، با وقوع جنگ جهانی اول در نیمه اول قرن ۲۰، فرش کرمان برای مدت کوتاهی بازار خود را در امریکا از دست داد. اما پس از پایان جنگ، مجدداً تولید، تجارت و صادرات فرش کرمان در بستر گذشته از سر گرفته شد و میزان تقاضا برای فرش کرمان در امریکا بیش از هر زمان دیگر افزایش یافت.

کتابنامه

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ). سند ۱۳۱۹/۲۴/۷ ق؛ ۱۳۲۷/۵۴/۲۶ ق؛ ۱۳۲۹/۵۴/۲۶ ق؛ ۱۳۳۰/۳۰/۴۱ ق؛ ۱۳۳۰/۵۴/۱۲ ق؛ ۱۳۳۰/۵۴/۲۱ ق؛ ۱۳۳۰/۵۴/۳۷ ق؛ ۱۳۳۱/۵۴/۶ ق؛ ۱۳۳۲/۴۴/۲ ق؛ ۱۳۳۲/۵۴/۱ ق؛ ۱۳۳۲/۵۴/۷ ق؛ ۱۳۳۲/۵۴/۱۹ ق؛ ۱۳۳۳/۵۴/۳۱ ق؛ ۱۳۳۳/۵۵/۱۳ ق؛ ۱۳۳۴/۳۱/۹ ق؛ ۱۳۳۶/۵۵/۵ ق؛ ۱۳۳۷/۳۱/۲۵ ق؛ ۱۳۳۸/۴۶/۳ ق؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵ ق؛ ۱۳۴۰/۱/۵۷/۷ ق؛ ۱۳۴۰/۱/۵۷/۹ ق؛ ۱۳۴۰/۱/۵۷/۱۴ ق؛ ۱۳۴۰/۲/۵۷/۲۹ ق؛ ۱۳۴۰/۲/۵۷/۵۶ ق؛ ۱۳۴۰/۴/۳۶/۹ ق؛ ۱۳۴۰/۵/۳۸/۳ ق؛ ۱۳۴۰/۵/۳۸/۳ ق.

ادواردز، سیسیل. *قالی ایران*، ترجمه مهین دخت صبا، تهران: فرهنگ‌سرا، ۱۳۶۸.

اشرف، احمد. *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*، تهران: زمینه، ۱۳۵۹.

اطلاق تجارت (مجله). ش ۳، ۱۳۰۸ ش.

اقدام (روزنامه). ش ۱۴۷، ۱۳۴۵ ق؛ ش ۱۷۲، ۱۳۴۵ ق؛ ش ۱۷۴، ۱۳۴۵ ق؛ ش ۳۶۶، ۱۳۴۵ ق.

التاریوس، آدام. *سفرنامه*، ترجمه حسین کردبچه، ج ۲، تهران: کتاب برای همه، ۱۳۶۱.

انگلیش، پل‌وارد. *شهر و روستا در ایران: اقتصاد و سکونت در حوزه کرمان*، ترجمه رؤیا اخلاص‌پور، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۰.

اوین، اوژن. *ایران امروز (۱۹۰۶-۱۹۰۷م)*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار، ۱۳۹۱.

ایوانف، میخائیل سرگه‌یویچ. *تاریخ نوین ایران*، ترجمه هوشنگ تیزیابی و دیگران، تهران: بی‌نا، ۱۳۵۶.

باری‌یر، جولیان. *اقتصاد ایران (۱۹۰۰-۱۹۷۰ م/ ۱۳۷۹-۱۳۴۹ ش)*، ترجمه مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه، تهران: مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه، ۱۳۶۳.

بنجامین، ساموئل گرین. *ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه*، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: اطلاعات، ۱۳۹۱. پولاک، یاکوب ادوارد. *ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸. تحویلدار، حسین بن محمدابراهیم. *جغرافیای اصفهان، جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار و اصناف شهر*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: شنگرف، ۱۳۸۷.

جمال‌زاده، محمدعلی. *گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران*، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۶. دلریش، بشری. *زن در دوره قاجاریه*، تهران: مؤسسه انتشارات سوره، ۱۳۷۵. *سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)*. سند ۱۵۵۳۷/۲۴۰؛ ۴۷۴۸۲/۲۴۰؛ ۶۸۱۴۰/۲۴۰؛ ۳۲۴۶/۳۴۰؛ ۱۱/۱۶۰/۲۴۰؛ ۲۹۳/۴۴۱۶؛ ۶۴۴۶/۲۹۳؛ ۵۵۰۷/۲۹۳؛ ۸۸۵۹/۳۶۰؛ ۶۲۴۶/۳۶۰؛ ۵۳۴۴/۳۶۰؛ ۷۸۹۱/۳۶۰؛ ۱۱۳۵/۳۶۰. *سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)*: «مرکز اسناد کرمان». سند ۴۳/۲۳۰/۹۹؛ ۴۹۳/۲۳۰/۹۹؛ ۶۷۷/۲۳۰/۹۹؛ ۴۵/۲۳۰/۹۹.

سایکس، سرپرسی. *سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران*، ترجمه حسین سعادت‌نوری، تهران: ابن سینا، ۱۳۳۶.

سیف، احمد. *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: چشمه، ۱۳۷۳. شاردن، ژان. *سفرنامه*، ترجمه محمد عباسی، ج ۴، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۶. صوراسرافیل، شیرین. *طراحان بزرگ فرش ایران: سیری در مراحل تحول طراحی فرش*، تهران: پیکان، ۱۳۸۰. عیسوی، چارلز. *تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار (۱۲۱۵-۱۳۳۲ ق)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره، ۱۳۶۲. فریه، ر. دبلیو. *هنرهای ایران*، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فرزانه، ۱۳۷۴. *فلاحت و تجارت (مجله)*. ش ۵، ۱۲۹۷ ش؛ ش ۹، ۱۲۹۷ ش؛ ش ۱۱، ۱۲۹۷ ش؛ ش ۲، ۱۲۹۸ ش. فلور، ویلم. *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۲، تهران: توس، ۱۳۶۵. _____ *صنایع کهن (۱۹۲۵-۱۸۰۰)*، ترجمه علیرضا بهارلو، تهران: پیکره، ۱۳۹۳. فوران، جان. *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۱۷۹۹ شمسی تا انقلاب*، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، ۱۳۸۷.

فیودور کوف، بارون. *سفرنامه*، ترجمه اسکندر ذبیحیان، تهران: فکر روز، بی‌تا. کرزن، ج. ن. *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحیدمازندرانی، ج ۱ و ۲، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷. کوزنتسوا، آ. ن. *پیرامون تاریخ نوین ایران: اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران در پایان سده هجدهم تا نیمه نخست سده نوزدهم میلادی*، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: بین‌الملل، ۱۳۸۶.

Ittig, Annette. "Carpets xi. Qajar Period", *Encyclopaedia Iranica*, VIV, London and New York: Encyclopaedia Iranica, 1990.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی